

شادي خداوند

Brad — Darash Bible Scholar



فهرست مطالب

۲	فهرست مطالب
۳	۱ نخستین شادمانی
۶	۲ پیش از آغاز جهان
۶	۱.۲ کودک در حال بازی Prov 8:30-31 —
۷	۲.۲ خشنودی اراده‌ی او — تعیینِ پیشین به مثابه‌ی شادی
۷	۳.۲ پرسش مالک Matt 20:15 —
۸	۴.۲ پدر پیش از بنیاد عالم به پسر محبت ورزید John 17:24 —
۹	۳ غزلِ غزل‌ها
۹	۱.۳ شادی نخستین — او بر تو شادی خواهد کرد (יָשִׁים) yāśîs —
۱۰	۲.۳ شادی دوم — او در محبت خویش آرام خواهد گرفت (יִהְיֶה) yāhărîš —
۱۰	۳.۳ شادی سوم — او بر تو با سرود شادی خواهد کرد
۱۰	۴.۳ زمینه و سیاق — چرا صفنیا چنین می‌گوید
۱۱	۵.۳ Zeph 3:17 به عنوان مرکز کانون
۱۲	۴ خدای داماد
۱۲	۱.۴ با تمامی دل و تمامی جان
۱۳	۲.۴ شادی بازسازی Deut — Isa 65 و
۱۴	۵ پسرِ شادمان
۱۴	۱.۵ تنها زمانی که گفته شده عیسی شادی کرد Luke 10:21 —
۱۴	۲.۵ بگذارید کودکان بیایند
۱۵	۳.۵ عروسی در قانا — نگاه داشتنِ شادی برای پایان
۱۶	۶ پدر می‌دود
۱۷	۱.۶ برادر بزرگتر و پرسشی که باقی می‌ماند
۱۸	۷ شادی از طریق صلیب
۱۸	۱.۷ شادی من در شما John 15:11 — و 17:13
۱۹	۲.۷ ضیافت عروسی بره — صحنه‌ی نهایی تاریخ

فصل ۱

نخستین شادمانی

پیش از آنکه در میان این صحنه‌ها گام برداریم، باید بدانیم به کجا رهسپاریم. هر داستانی در این کتاب – هر لحظه از شادی الهی، از عدن تا ضیافت عروسی – بیان متمرکز خود را در یک آیه می‌یابد Zephaniah 3:17. وعده‌ای منزوی نیست؛ بلکه نقطه مرکزی شهادتِ کانونِ کتاب مقدس در باب شادی خداست. هر آنچه پیش از آن است، زمینه‌ساز آن است؛ و هر آنچه پس از آن می‌آید، آن را تحقق می‌بخشد.

Genesis 1:31 KJV · و خدا هر آنچه را که ساخته بود دید، و اینک، بسیار نیکو بود. و شام بود و صبح بود، روز ششم.

نخستین عاطفه‌ای که در کتاب مقدس به خدا نسبت داده شده، نه خشم است، نه داوری و نه اندوه – بلکه لذت است. شش بار خدا به آنچه ساخته بود نگرست و آن را «نیکو» خواند (בָּרָא ^{H2896} tôb، 25). Gen 1:4, 10, 12, 18, 21. و در روز ششم، پس از آنکه انسان را به صورت خویش آفرید، به کل آفرینش نگرست و آن را «بسیار نیکو» نامید (בְּרָא ^{H2896} tôb ^{H3966} mē'ôd). واژه‌ی عبری tôb به معنای زیبا، دلپذیر، شادی‌بخش و لذت‌بخش است. نخستین حکم ثبت‌شده‌ی خدا درباره‌ی جهان مادی، خشنودی است. این نه تأییدِ سرد مهندسی است که نقشه‌های فنی را بازبینی می‌کند، بلکه لذتِ هنرمندی است که از بوم نقاشی به اتمام رسیده فاصله می‌گیرد، یا وجدِ دامادی که برای نخستین بار عروس را می‌بیند. او جهان را آفرید زیرا چنین می‌خواست – و چون آن را دید، شادمان گشت.

Genesis 6:6 KJV · و خداوند پشیمان گشت که انسان را بر زمین آفریده بود، و در دلِ خویش محزون گشت.

همان خدایی که بر آفرینش شادمان بود، بر گناه محزون گشت. فعل «محزون گشت» āsab ^{H6087} אָסַב در وجه «هیتپائل» است – یک ساختار انعکاسی تأکیدی. این بدان معناست که «او خویشتن را به درد آورد و خود را در غم و اندوه فرو برد.» واژه‌ی معادل برای دل ^{H3820} lēb به معنای خویشتنِ درونی و جایگاه احساسات است. عواطف خدا تنها یک نقاب نیستند. آنگاه که آفرینش به شرارت گرایید، او آن را حس کرد. اما بنگرید که او آن را رها نکرد. او محزون گشت و سپس برای نجات وارد عمل شد. نوح در چشمان او فیض یافت و کشتی به ظرفی برای آفرینش دوم بدل گشت. طوفان، بهای قلبی است که آفرینش را چندان دوست می‌دارد که نمی‌تواند بگذارد شرارت کلام آخر را بر زبان راند. حتی در میانه‌ی داوری نیز، رشته‌ی شادی گسسته نمی‌شود: هنگامی که نوح از کشتی به دنیایی پاک‌گشته قدم نهاد، خدا عهدی بست و رنگین‌کمان را پدید آورد – وعده‌ای مبنی بر اینکه او دیگر هرگز زمین را با طوفان غرق نخواهد کرد. رنگین‌کمان نشانی از شادی او در وعده‌ی خویش است.

Genesis 17:17 KJV · آنگاه ابراهیم بر روی درافتاد و خندید و در دل خود گفت: «آیا برای مردی صد ساله فرزندی زاده شود؟ و آیا ساره که نود ساله است، خواهد زایید؟»

هنگامی که خدا به ابراهیم گفت که در سن صد سالگی صاحب پسری خواهد شد، ابراهیم بر روی درافتاد و خندید. نامی که خدا بر آن پسر وعده داده شده نهاد – ^{H3327}יִשְׁחָק yishāq، اسحاق – به معنای «او می‌خندد» است. هر بار که ابراهیم نام پسرش را صدا می‌زد، می‌خندید. هر بار که سارا به او می‌نگریست، خنده‌ی ناباورانه‌ی خود را به یاد می‌آورد (Gen. 18:12-15). آن فرزند وعده، نه یک آموزه‌ی خشک، بلکه لطیفه‌ای زنده بود که میان آسمان و زمین جاری گشت. تولد اسحاق نخستین عمل عینی شادی خدا در روایت پدران ایمان بود – فرزندی زاده شده از رحمی مرده، وعده‌ای که برخلاف تمام احتمالات تحقق یافت، و پسری که نامش عینِ طنینِ خنده بود. این خاستگاه درون‌مایه‌ی عهد جدید است: شادی از دلِ ناممکن‌ها زاده می‌شود. هنگامی که فرشته بعدها به مریم گفت: «نزد خدا هیچ امری غیرممکن نیست» (Luke 1:37)، پژواک خنده‌ی اسحاق هنوز طنین‌انداز بود. جبرئیل فرشته از همان فعل یونانی استفاده کرد که در LXX در Genesis 18:14 به کار رفته بود: ^{G101}ἄδυνατοι adynatō، «غیرممکن خواهد بود». خدایی که پیری ناممکن ابراهیم را شادمان ساخت، همان خدایی است که رحم ناممکن مریم را غرق در شادی کرد.

Exodus 15:1 KJV · آنگاه موسی و بنی‌اسرائیل این سرود را برای خداوند سرآیدند و چنین گفتند: «برای خداوند سرود خواهیم خواند، زیرا او به شکوه و جلال پیروز گشته است؛ اسب و سوارکارش را به دریا افکنده است.»

در آن لحظه که اسرائیل از دریای سرخ گذشت و غرق شدن سپاهیان مصر را به چشم دید، نخستین واکنش آدمی نه برپایی محفل دعا، که برپایی یک جشن بود. موسی مردان را در سرودن نغمه‌ها رهبری کرد و مریم دف بر دست گرفت و پیشاپیش زنان به پایکوبی پرداخت. فعل «سرود» (^{H7891}שָׁרַח šārāḥ) در زمان آینده است: «او خواهد سرود». این سرودی است که طنین آن همچنان به گوش می‌رسد. «سرود دریا» کهن‌ترین منظومه در کتاب مقدس است؛ سرودی در ستایش پیروزی و تجلیل از خدایی که برای قوم خویش پیکار می‌کند. اما بنگرید که چه کسی به شادمانی برخاسته است؛ نه خدا، بلکه اسرائیل. شادی خدا در این لحظه به طور مستقیم بیان نشده، اما در بطن کلام نهفته است: او بود که بلایا را طرح افکند، خروج را تدبیر کرد، دل فرعون را سخت گردانید، دریا را شکافت و سپاهیان را در کام آب فرو برد. این، کارِ رهایی‌بخش او بود. آنگاه که قوم او به سرود و پایکوبی برمی‌خیزند، در واقع پژواک شادمانی خود او را باز می‌تابانند. خدایی که از آفرینش لذت می‌برد، اکنون از رستگاری لذت می‌برد. سرود مریم، نخستین نیایش ثبت‌شده ملتِ آزاد اسرائیل است؛ نیایشی سرشار از شادی، نغمه و شور جسمانی.

دهه‌ها بعد، هنگامی که موسی اسرائیل را برای ورود به آن سرزمین آماده می‌کرد، هشدار جدی و خاطره‌ای گران‌بها به آنان بخشید: «همان‌گونه که خداوند از نیکی کردن به شما و کثیر ساختن شما شادمان می‌شد، به همان‌سان خداوند از نابود کردن و از میان برداشتن شما نیز شادی خواهد کرد (Deut. 28:63). همان فعل – ^{H7797}שָׂשׂ ūśś – «شادی کردن» – هم

بیانگر شادمانی خدا از برکت دادن است و هم نشان‌دهنده عدالتی که از سرِ اندوه بر نافرمانی جاری می‌شود. اما حقیقت بنیادین این است که او بر آنان شادی کرد. او ایشان را نه به سبب کثرت‌شان، بلکه به سبب محبت خویش برگزید (Deut. 7:7-8). شادی او در قوم خویش، مقدم بر هر چیز بود. عهد، یک قرارداد نبود؛ بلکه یک پیوند زناشویی بود. و او بر عروس خویش شادی می‌کرد.

فصل ۲

پیش از آغاز جهان

هر داستانی از شادی خدا که تا بدین جا پی گرفته‌ایم، در بستر زمان به وقوع می‌پیوندد – آفرینش، طوفان، اسحاق، دریای سرخ، انبیا، عیسی، دویدن پدر، صلیب، و ضیافت عروسی. اما شادی‌ای هست که بر تمامی این‌ها پیشی می‌گیرد. پیش از آنکه نخستین اتم ماده هستی یابد، پیش از آنکه ستارگان صبح با هم هم‌سرایی کنند، لذت وجود داشت. و متعلق آن لذت، ما بودیم.

۱.۲ کودک در حال بازی Prov 8:30-31 –

Proverbs 8:30-31 KJV · آنگاه من در کنار او بودم، همچون کسی که نزد وی پرورده شده؛ و هر روزه مایه لذت او بودم و همواره در حضورش شادی می‌کردم؛ در پهنه مسکونی زمین او شادی می‌کردم و لذت‌های من با فرزندان آدم بود.

این حکمت است که سخن می‌گوید – صفت تجسم‌یافته‌ی خدا که عهد جدید او را با مسیح یکی می‌داند (1:1-3 John). (Col 1:15-16) متن عبری سزاوار توجهی دقیق است. واژه‌ی معادل برای «لذت»، ^{H8191}שָׂא שְׂאָ sa šua است – اسمی در حالت جمع تأکیدی که از ریشه‌ی ^{H8173}שָׂא sa مشتق شده است. فرهنگ Strong's واژه‌ی ^aשָׂא sa را چنین تعریف می‌کند: «نگریستن با خشنودی، یعنی نوازش کردن، خشنود ساختن یا سرگرم کردن (خویشتن)». فرهنگ BDB می‌افزاید: «روی زانو تکان دادن، بازی کردن، لذت بردن». این همان واژه‌ای است که در Isaiah 66:12 به کار رفته، آنجا که فرزندان اورشلیم شیر داده می‌شوند و بر زانوان او نوازش می‌گردند. این یک تأیید انتزاعی و دورادور نیست؛ بلکه لذتی صمیمانه است، همچون پدری که کودک را بر زانوانش بالا و پایین می‌اندازد، او را قلقلک می‌دهد و به خنده وامی‌دارد. پدر و حکمت، پیش از آنکه آفرینش پدید آید، با یکدیگر بازی می‌کردند.

فعل «شادی کردن» ^{H7832}שָׂחַח saḥaḥ از ریشه ^{H7832}שָׂחַח saḥaḥ است – به معنای خندیدن، بازی کردن و به وجد آمدن. این همان واژه‌ای است که برای رقص و پایکوبی داود در حضور تابوت عهد (6:5 Sam 2) و بازی کودکان در خیابان‌ها (8:5 Zech) به کار رفته است. حکمت در پیشگاه پدر می‌خندید، بازی می‌کرد و پایکوبی می‌نمود – و سپس آیه تغییر جهت می‌دهد: «و لذت‌های (جمع!) من با فرزندان آدم بود.» پیش از آنکه آدم از خاک سرشته شود، پیش از آنکه باغی یا درخت حیاتی در میان باشد، پیش از آنکه کسی باشد تا گناه کند یا توبه نماید یا ایمان آورد – لذت‌های حکمت از پیش با فرزندان آدم بود. خدا ما را به این سبب نیافرید که به چیزی نیاز داشت. او ما را آفرید زیرا از پیش شادمان بود و می‌خواست کسی را در این شادی سهیم گرداند.

۲.۲ خشنودی اراده‌ی او – تعیین پیشین به مثابه‌ی شادی

Ephesians 1:5 KJV · ما را از پیش برگزید تا به واسطه عیسی مسیح، به مقام فرزندی خویش بپذیرد، بر حسب خشنودی اراده خویش.

واژه یونانی εὐδοκία^{G2107} eudokia است – به معنای خشنودی، لذت، رضایت و نیت خیرخواهانه. تاثیر آن را چنین تعریف می‌کند: «لذت، خوشی، رضایت؛ حسن نیت، قصد مهربانانه، خیرخواهی.» پولس همین واژه را در Phil 2:13 به کار می‌برد: «خداست که در شما عمل می‌کند، هم برای اراده و هم برای انجام، بنا بر خشنودی خود.» این واژه با εὐδοκέω^{G2106} eudokeō مرتبط است – به معنای بسیار خشنود بودن، نیکو پنداشتن، و با لذت تصمیم گرفتن. این همان واژه‌ای است که در زمان تعمید عیسی به کار رفته است: «این است پسر محبوب من که از او بسیار خشنودم (Matt 3:17)» همان لذتی که پدر در پسر دارد، همان لذتی است که به واسطه آن ما را از پیش برگزید. تقدیر، یک فرمان خشک و مکانیکی نیست؛ بلکه عمل کردن خدا بر طبق آن چیزی است که مایه لذت اوست. او ما را برگزید چون می‌خواست – چون پیش از آنکه وجود داشته باشیم، لذت او بر ما قرار گرفته بود. این همان Prov 8:31 است که به زبان عهد جدید بیان شده: لذت‌های پیش از آفرینش «حکمت»، به خشنودی تقدیرگر «پدر» بدل گشته است.

۳.۲ پرسش مالک Matt 20:15 –

Matthew 20:15 KJV · آیا مرا روا نیست که با دارایی خویش آنچه می‌خواهم بکنم؟ یا مگر چشم تو بد است از آن رو که من نیکو هستم؟

مَثَل کارگران تاکستان، حکایتی است درباره شادی خدا. صاحب زمین، کارگران را در سپیده‌دم، ساعت نُه، ظهر، ساعت سه و ساعت پنج عصر به کار می‌گمارد. در پایان روز، او به همگان مزدی یکسان می‌پردازد – یک دینار کامل. کارگرانی که تمام روز در گرمای طاقت‌فرسا جان کنده بودند، لب به شکایت می‌کشایند. پاسخ صاحب زمین، مستقیماً به اصل مطلب می‌پردازد: «آیا از آن رو که من نیکو هستم، چشم تو بد است؟» واژه یونانی برای «نیکو»، ἀγαθός^{G18} agathos است – به معنای نیک‌ذات، بخشنده و کریم. صاحب زمین از عدالت خویش دفاع نمی‌کند، بلکه از نیکویی خود دفاع می‌نماید. این پرسش بر این فرض استوار است که نیکویی خدا، غایی‌ترین تبیین برای تمام افعال اوست. او به آخرین نفر همان مزدی را می‌دهد که به اولین نفر، زیرا ذات او چنین است. او نه بر اساس استحقاق ما، بلکه بر اساس آنچه موجب لذت اوست، می‌بخشد. و آنچه مایه لذت اوست، بخشش سخاوتمندانه است Proverbs 8:31. به ما نشان داد که پیش از آفرینش، لذت‌های حکمت با فرزندان انسان بود Matthew 20:15. همان لذت را در مقام عمل به تصویر می‌کشد – خدایی که به گونه‌ای بی‌تناسب، حیرت‌انگیز و با شادی عطا می‌کند.

۴.۲ پدر پیش از بنیاد عالم به پسر محبت ورزید John 17:24 –

John 17:24 KJV · ای پدر، می‌خواهم آنان که به من بخشیده‌ای، با من باشند در آنجا که من هستم، تا جلال مرا مشاهده کنند، آن جلالی که به من عطا فرموده‌ای؛ زیرا پیش از بنیاد عالم مرا دوست داشتی.

عیسی در آخرین دعای خویش پیش از صلیب، ژرف‌ترین بنیادِ تمامی شادی‌ها را آشکار می‌سازد. پدر پیش از بنیادِ جهان، پسر را محبت نمود. رابطهٔ ابدی و پیش‌ازآفرینشِ تثلیث، رابطه‌ای از جنسِ محبت است؛ محبتی چنان لبریز و تابان که سرریز می‌شود. و عیسی دعا می‌کند که ما به درونِ آن حلقه آورده شویم: «تا جلالِ مرا مشاهده کنند.» جلالی که عیسی برای آن دعا می‌کند، همان جلالی است که حکمت پیش از آفرینش داشت؛ یعنی همان ša šu îm، لذتِ نوازشگرانهٔ پدر در پسر. و او مشتاق است که ما آن را ببینیم. مقصودِ آفرینش، رستگاری/فدیه و تمامیِ روایتِ کتاب‌مقدس این است که ما به درونِ شادی‌ای راه یابیم که پیش از خلقتِ هر چیز، میانِ پدر و پسر برقرار بود Zephaniah 3:17. عاطفه‌ای نوظهور نیست، بلکه لذتِ ابدیِ تثلیث است که به ساحتِ زمان هجوم می‌آورد.

فصل ۳

غزلِ غزل‌ها

در کتاب مقدس عبری آیه‌ای هست که بیش از هر فراز دیگری در کلام خدا، دربردارنده افعال ناظر بر شادی الهی است. این آیه، متمرکزترین بیان از احساسی است که خدا نسبت به قوم خویش دارد. این آیه نه در کتاب مزامیر – آنجا که شاید انتظارش را داشته باشیم – بلکه در کتاب صفنیای نبی یافت می‌شود؛ کتابی که با هشدارهای داوری آغاز می‌گردد و با سرودی عاشقانه به فرجام می‌رسد.

Zephaniah 3:17 KJV · خداوند خدای تو در میان تو قدیر است؛ او نجات خواهد داد، او با شادی بر تو شادی خواهد کرد؛ او در محبت خویش آرام خواهد گرفت و با سرودِ شادی بر تو شادی خواهد کرد.

بیاپید در این آیه درنگ کنیم. این آیه تنها یک سخن درباره‌ی خدا نمی‌گوید که بعد آن را تکرار کند؛ بلکه چهار مطلب متمایز را بیان می‌کند که هر یک با فعل عبری متفاوتی ادا شده است، و هر کدام جلوه‌ای متفاوت از کیفیتِ شادیِ خداوند بر قوم خویش را به تصویر می‌کشد.

۱.۳ شادی نخستین – او بر تو شادی خواهد کرد (יְשׁוּעַ – yāśîś)

فعل ^{H7797}יָשַׁע yāśîś به معنای درخشان بودن، تابیدن و شادمان بودن است. فرهنگ استرانگ آن را به سادگی چنین تعریف می‌کند: «درخشان بودن، یعنی شادمان بودن.» این همان واژه‌ای است که برای دامادی که از حجله‌اش بیرون می‌آید (Psalm 19:5) و برای خورشیدی که همچون قهرمانی برای دویدن در میدان شادی می‌کند، به کار رفته است. این تصویر، یک لبخند آرام نیست؛ بلکه چهره‌ای است که برافروخته و روشن می‌شود. خدا به شما می‌نگرد و چهره‌اش می‌درخشد. این همان فعلی است که در Deuteronomy 28:63 و 30:9 به کار رفته، آنجا که خدا «بر شما شادی می‌کند تا به شما احسان نماید» – و در Jeremiah 32:41، جایی که او می‌گوید بر قوم خویش «با تمامی دل و تمامی جان خود» شادی خواهد کرد. این فعل در Isaiah 62:5 نیز ظاهر شده است: «چنان‌که داماد بر عروس شادی می‌کند، خدای تو بر تو شادی خواهد کرد.» هنگامی که خدا بر شما شادی می‌کند، این همان سرور قلبی، درخشان و دامادگونه‌ی مردی است که به تازگی به وصال محبوب خویش رسیده است.

۲.۳ شادی دوم – او در محبت خویش آرام خواهد گرفت (יְחַרֵּשׁ – yāhārîš)

فعل ^{H2790}יְחַרֵּשׁ hāraš گستره معنایی وسیعی دارد: خراشیدن، شخم زدن، حکاکی کردن، تدبیر کردن، و ساکت بودن. در اینجا، این فعل معنای سکوت کردن، آرام گرفتن و بی‌حرکت ماندن را افاده می‌کند. ترجمه KJV آن را چنین برگردانده است: «او در محبت خویش آرام خواهد گرفت»، اما متن عبری صمیمانه‌تر است. معنای آن این است که «او در محبت خویش بر تو سکوت خواهد کرد» – سکوت عاشقی که نیازی به سخن گفتن ندارد، چرا که کاملاً خشنود و راضی است. دیگر سخنی برای گفتن باقی نمانده است. او به تو می‌نگرد و آرام می‌گیرد. همین واژه در Exodus 14:14 به کار رفته است – «خداوند برای شما خواهد جنگید و شما خاموش باشید» – اما در اینجا این خداست که خاموش می‌ماند. نه از سر درماندگی یا خشم، بلکه از سکوت عمیق و رضایت‌بخش والدینی که فرزندی خفته را در آغوش گرفته‌اند. او از تکاپو بازایستاده است. او صرفاً حضور دارد و حضور او کافی است. این سومین ضرب‌آهنگ Zephaniah 3:17 است: پس از فریاد شادی، سکوت ملایم محبت فرا می‌رسد.

۳.۳ شادی سوم – او بر تو با سرود شادی خواهد کرد

فعل ^{H1523}אָגַד ag'gd به معنای چرخیدن تحت تأثیر شوری وافر است؛ این واژه‌ای است برای رقصی از سر وجد و چرخیدن در شادی. فرهنگ لغت BDB آن را «گردیدن یا چرخیدن، و از سر سبک‌بالی به هیجان آمدن» توصیف می‌کند. این یک شادی موقر و خویشتندارانه نیست؛ این رقص است. خدا بر گرد شما می‌چرخد و از سر لذت به دور خود می‌گردد. و او این کار را با ^{H7440}רִנָּה rinnâ انجام می‌دهد – بانگی بلند و طنین‌انداز از سر شادی، و فریاد پیروزی. همین ریشه (rānan) زمانی به کار رفته است که ستارگان صبح با هم سرود خواندند و تمامی پسران خدا از سر شادی فریاد برآوردند Job. 38:7 این صدای جشن پیریزی آفرینش است. این چهارمین ضرب‌آهنگ آیه است: خدا در حالی که به دور خود می‌چرخد، با فریادی طنین‌انداز بر فراز قوم خویش سرود می‌خواند.

۴.۳ زمینه و سیاق – چرا صفنیا چنین می‌گوید

صفنیا به شکلی گذرا به این آیه راه نمی‌یابد. دو فصل نخست، کورهی داوری‌اند: «من همه‌چیز را از روی زمین به کلی نابود خواهم کرد (Zeph. 1:2)» روز خداوند، روز تاریکی و ظلمت است. تمامی زمین در آتش غیرت او بلعیده می‌شود. و سپس، در فصل ۳، تغییری رخ می‌دهد. داوری واقعی است. اما پس از آتش، خدا قوم خویش را در میان خاکستر رها نمی‌کند. او بر فراز آنان سرود می‌سراید. شادی Zephaniah 3:17، خوشحالی ساده‌لوحانه‌ی خدایی نیست که هرگز خشمگین نشده است. بلکه شادی پیروزمندانه‌ی خدایی است که از میان داوری عبور کرده و از سوی دیگر آن، در حالی که محبوب خویش را در آغوش گرفته، بیرون آمده است. از همین روست که آیه ابتدا می‌گوید «او نجات خواهد داد»؛ شادی پس از رستگاری می‌آید. او ملزم به نجات ما نبود؛ او چنین خواست، زیرا می‌خواست بر فراز ما سرود بسراید.

۵.۳ Zeph 3:17 به عنوان مرکز کانون

ما شادی خدا را در جای‌جای مجموعه‌ی کتب مقدس خواهیم دید – در آفرینش، در طوفان، در خنده ابراهیم، در سرود کنار دریا، در فقرات مربوط به داماد در کتاب اشعیا، در پایکوبی بر فراز اورشلیم در کتاب ارمیا، در آغوش عیسی که کودکان را در بر گرفته است، در پدری که در جاده می‌دود تا پسرش را در آغوش کشد، در آن شادی که پیش روی پسر بر فراز صلیب نهاده شده بود، و در ضیافت عروسی بره. اما Zephaniah 3:17 جایی است که تمام این رشته‌ها به هم می‌پیوندند. این همان آیه‌ای است که آنچه را باقی کتب مقدس به تصویر می‌کشند، نام می‌نهد. خدا همچون دامادی بر شما می‌درخشد. خدا در عشقی خاموش و سرشار از رضایت بر شما آرام می‌گیرد. خدا با وجدی مستانه بر گرد شما می‌چرخد و با بانگی رسا برایتان سرود می‌خواند. هر داستانی در این کتاب، پانویسی بر آن آیه است.

فصل ۴

خدای داماد

اکنون از Zephaniah 3:17 کمی فاصله می‌گیریم تا دریابیم افعال آن در دیگر کتب انبیا در کجا به چشم می‌خورند. واژه‌ی šûš – «درخشان بودن، از شادی تافتن» – در کتاب مقدس عبری واژه‌ای نادر نیست، اما بیشترین کاربرد آن حول صمیمی‌ترین تصویر از عواطف خداست: داماد. هرگاه کتاب مقدس بر آن است تا از شادی خدا سخن بگوید، همواره به استعاره‌ی مردی در روز عروسی‌اش روی می‌آورد.

Isaiah 62:4-5 KJV · دیگر تو را «متروک» نخواهند خواند و سرزمینت دیگر «ویران» نامیده نخواهد شد؛ بلکه تو را «حفصی‌باه» و زمینت را «بعوله» خواهند نامید: زیرا خداوند از تو لذت می‌برد و زمینت به ازدواج درخواهد آمد. زیرا همان‌گونه که جوانی با دوشیزه‌ای ازدواج می‌کند، پسرانت با تو ازدواج خواهند کرد؛ و چنان‌که داماد بر عروس شادی می‌کند، خدای تو نیز بر تو شادی خواهد کرد.

واژه‌ای که در Isaiah 62:5 آمده، yāšûš است؛ همان فعلی که در Zephaniah 3:17 به کار رفته است. خدا بر تو شادی می‌کند، بدان‌گونه که دامادی بر عروس خویش شادی می‌نماید. اما اشعیا گامی فراتر می‌نهد؛ او نام تو را دگرگون می‌سازد. سرزمینی که «متروک» (Azubah) نامیده می‌شد، به «لذت من در اوست (Hephzibah)» بدل می‌گردد. سرزمینی که «ویران» خوانده می‌شد، «به‌شوهررفته (Beulah)» می‌گردد. خدا تنها به احساس شادی بسنده نمی‌کند؛ او واقعیت را بازنام‌گذاری می‌کند تا با شادی خویش همساز گرداند. هویت تو در پیشگاه او دیگر با طردشدگی تعریف نمی‌شود، بلکه با لذت معنا می‌یابد. داماد در روز عروسی، تنها به تحمل حضور عروس اکتفا نمی‌کند. او می‌درخشد. نمی‌تواند دیده از او برگیرد. او شادمان‌ترین مرد در آن محفل است. این است آنچه خدا احساس می‌کند.

۱.۴ با تمامی دل و تمامی جان

Jeremiah 32:40-41 KJV · و با ایشان عهدی جاودانی خواهم بست که از ایشان روی برنگردانم تا به آنان نیکی نمایم؛ و ترس خود را در دل‌هایشان خواهم نهاد تا از من روی نگردانند. آری، بر ایشان شادی خواهم کرد تا به آنان نیکی رسانم، و ایشان را در این زمین به یقین، با تمامی دل و تمامی جان خویش غرس خواهم کرد.

این قاطع‌ترین بیان از شادی الهی در کتب انبیاست. به این زبان تمام وجودی توجه کنید: «با تمامی دل و با تمامی جان خود». واژگان عبری לֵב lēb^{H3820} و נֶפֶשׁ nepeš^{H5315} هستند.

– دل و جان، یعنی تمامیت هستی درونی. خدا به گونه‌ای جزئی شادی نمی‌کند. او واکنشی سنجیده، مشروط و یا از سر تردید همچون «گمان می‌کنم خوشنودم» نشان نمی‌دهد. او با تمام آنچه هست، شادی می‌کند. تصویر، تصویر مردی است که با هر دو دست خویش تاکستانی می‌نشانند و میخ‌ها را در اعماق زمین استوار می‌کند، چرا که قصد ماندن دارد. عهد، جاودانی است. این غرس کردن، ماندگار است. شادی، تمام‌عیار است. این است آن خدایی که تنها به نجات شما بسنده نمی‌کند، بلکه می‌خواهد به شما نیکی کند – فعل ^{H2895}בָּרַךְ taḇ – تا شما را سلامت، زیبا و شادمان سازد.

۲.۴ شادی بازسازی Deut – Isa 65

Deut 30:9 وعده می‌دهد که خدا «بار دیگر بر تو برای نیکی شادی خواهد کرد، چنان‌که بر پدران شادی کرد.» فعل باز هم ^{šûš} است. شادی خدا ابداعی تازه نیست. او بر پدران شادی کرد و بار دیگر بر فرزندان‌شان شادی خواهد کرد. احیا صرفاً اقدامی حقوقی نیست، بلکه بازگشتی شادمانه به خانه است. و در Isa 65:19، نبی آفرینش تازه را می‌بیند و می‌شنود که خدا می‌گوید: «من در اورشلیم شادی خواهم کرد و در قوم خود مسرور خواهم شد؛ و دیگر صدای گریه و ناله در آن شنیده نخواهد شد.» در اینجا افعال تغییر می‌کنند (aḡ: از شادی چرخیدن) و ^{šûš} (درخشیدن). آسمان‌های تازه و زمین تازه صرفاً مکانی امن نیستند، بلکه مکانی هستند که خود خدا در آن شادمان است. نخستین کاری که او در آفرینش تازه انجام می‌دهد، جشن گرفتن است. گریه باز می‌ایستد، زیرا نغمه‌سرا از راه رسیده است.

فصل ۵

پسرِ شادمان

هنگامی که به اناجیل روی می‌آوریم، با خدای Zeph 3:17 به صورت شخصی دیدار می‌کنیم. عیسی میهمانی عبوس و بی‌میل از آسمان نیست. او همان داماد است که بر عروس خویش می‌درخشد؛ همان مردی که در روح، پای‌کوبان از شادی می‌چرخد؛ همو که کودکان را در آغوش گرفت و بهترین شراب را برای جشن عروسی نگاه داشت. منتقدانش متوجه این امر شدند. آنان او را شکم‌پرست و باده‌گسار خواندند (Matthew 11:19). هیچ‌کس مردی محزون را با چنین نام‌هایی نمی‌خواند.

۱.۵ تنها زمانی که گفته شده عیسی شادی کرد Luke 10:21 –

Luke 10:21 KJV · در همان ساعت، عیسی در روح شادی کرد و گفت: «ای پدر، خداوند آسمان و زمین، تو را سپاس می‌گویم که این امور را از دانیان و خردمندان پنهان داشتی و بر کودکان آشکار ساختی؛ آری ای پدر، زیرا که در نظر تو چنین پسندیده آمد.»

واژه‌ی یونانی ἡγαλλιάσατο agalliaō^{G21} است؛ فعلی به معنای وجد و سرور، از شادی به هوا پریدن و با شور و شغف به رقص درآمدن. این همان ریشه‌ای است که در تسبیح مریم (Luke 1:47) به کار رفته، آنجا که روح مریم «در خدا که نجات‌دهنده‌ی من است، شادی کرد». اما در اینجا، سخن از انسانی نیست که خدا را ستایش می‌کند؛ بلکه این پسر خداست که در روح‌القدس از شادی به وجد آمده است. علت آن شگفت‌انگیز است: پدر اسرار پادشاهی را از خردمندان و دانیان پنهان داشته و آن‌ها را بر کودکان (nēpioi, G3516) آشکار ساخته است. عیسی از اینکه ناتوانان چیزی را درک می‌کنند که عالمان از آن غافل مانده‌اند، غرق در سرور است. این تجسم عینی Zephaniah 3:17 است. خدایی که بر فروتنان شادی می‌کند، هنگامی که جسم می‌گردد نیز از شادی باز نمی‌ایستد. او در روح پاکوبی می‌کند، زیرا کودکان پادشاهی را می‌بینند.

۲.۵ بگذارید کودکان بیایند

Mark 10:13-16 KJV · و کودکان خردسال را نزد او آوردند تا ایشان را لمس نماید، اما شاگردان، آورندگان را توبیخ کردند. عیسی چون این را بدید، رنجیده‌خاطر گشت و به ایشان گفت: «بگذارید کودکان خردسال نزد من آیند و آنان را بازمدارید، زیرا پادشاهی خدا از آن چنین کسانی است. به‌راستی به شما می‌گویم، هر که پادشاهی خدا را همچون کودکی خردسال نپذیرد، هرگز به آن داخل نخواهد شد.»

سپس آنان را در آغوش گرفت و دست‌های خود را بر ایشان نهاد و آنان را برکت داد.

شاگردان، کودکان را مایه دردسر و موجب وقفه در خدمت جدی خود می‌دیدند. عیسی اما آنان را تنها کسانی می‌دید که می‌توانند به ملکوت وارد شوند. و او آنان را در آغوش گرفت – $\epsilon\nu\alpha\gamma\gamma\alpha\lambda\iota\sigma\acute{\alpha}\mu\epsilon\nu\omicron\varsigma$ enankalizomai^{G1723} – ایشان را در بر گرفت و به گرمای آغوش خویش کشید. این همان آغوشی است که صفینا توصیف می‌کند: خدا در میان تو، آرام در محبت خویش، بی‌آنکه برای رفتن بی‌تابی کند. کودکان از او نمی‌هراسیدند. چرا باید می‌هراسیدند؟ شادی جذب می‌کند و ترس، جان را منجمد می‌سازد. آنان به سوی او دویدند، زیرا او از دیدارشان شادمان بود. شاگردان می‌بایست توبیخ می‌شدند، زیرا گمان می‌بردند شادی خدا را حد و مرزی است. عیسی به آنان نشان داد که چنین نیست.

۳.۵ عروسی در قانا – نگاه داشتن شادی برای پایان

John, 2:1-10 KJV و در روز سوم، در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسی در آنجا حضور داشت. عیسی و شاگردانش را نیز به آن عروسی دعوت کرده بودند. چون شراب تمام شد، مادر عیسی به او گفت: «شراب ندارند.» عیسی به او گفت: «ای زن، مرا با تو چه کار است؟ ساعت من هنوز فرا نرسیده است.» مادرش به خدمتکاران گفت: «هرچه به شما گوید، همان را بکنید.» و در آنجا شش خمره سنگی، مطابق با آیین طهارت یهود، قرار داشت که هر یک گنجایش دو یا سه پیمانه را داشت. عیسی به ایشان گفت: «خمره‌ها را از آب پر کنید.» و آن‌ها را لبالب پر کردند. سپس به آنان گفت: «اکنون قدری برگیرید و نزد مجلس‌گردان ببرید.» پس بردند. چون مجلس‌گردان آن آب را که شراب گشته بود چشید و نمی‌دانست از کجاست (هرچند خدمتکارانی که آب را کشیده بودند، می‌دانستند)، داماد را صدا زد و به او گفت: «هر کس نخست شراب نیکو را پیش می‌آورد و چون میهمانان به فراوانی نوشیدند، شراب فروتر را؛ اما تو شراب نیکو را تا به حال نگاه داشته‌ای.»

نخستین معجزه‌ی علنی عیسی نه شفا بود، نه اخراج دیو و نه یک تعلیم؛ بلکه فراهم آوردن ۱۸۰ گالن شراب برای جشن عروسی‌ای بود که شرابش تمام شده بود. ناظر جشن خاطرنشان می‌کند که این کار برخلاف روال معمول است؛ چرا که معمولاً ابتدا شراب ناب را سرو می‌کنند و شراب ارزان را زمانی می‌آورند که مهمانان چنان مست شده‌اند که متوجه تفاوت نشوند. اما عیسی بهترین را برای پایان نگاه داشت. او نیامد تا شادی را جیره‌بندی کند، بلکه آمد تا آن را لبریز سازد. آن داماد (که اشعیا وعده‌اش را داده بود) در یک عروسی واقعی حضور یافت و اطمینان حاصل کرد که شراب کافی برای شادی کردن فراهم است. این همان Zephaniah 3:17 است که در جسم ترجمه شده: خدایی که بر عروس خویش سرود می‌خواند، جام او را چنان پر می‌کند که لبریز شود.

فصل ۶

پدر می‌دود

اکنون به گویاترین تصویر در اناجیل از جلوه‌ی عملی شادی پدر می‌رسیم. عیسی در Luke 15 سه مَثَل پیاپی را بیان کرد: گوسفند گم‌شده، سکه‌ی گم‌شده و پسر گم‌شده. هر سه به یک شیوه پایان می‌یابند: با برپایی جشن. شبان دوستانش را فرا می‌خواند. زن همسایگانش را صدا می‌زند. پدر گوساله‌ی پرواری را ذبح می‌کند. شادی در آسمان برای یک گناهکار که توبه می‌کند، نکته‌ای است که عیسی سه بار بر آن تأکید می‌ورزد. اما داستان سوم، کامل‌ترین ترسیم از قلب پدر است.

Luke 15:11-24 KJV · و او گفت: «مردی را دو پسر بود. و پسر کوچک‌تر به پدر خود گفت: "ای پدر، آن سهم از اموال را که به من می‌رسد، به من بده." پس او معیشت خود را میان ایشان تقسیم کرد. چند روزی نگذشت که پسر کوچک‌تر هر آنچه داشت گرد آورد و به دیاری دور سفر کرد و در آنجا دارایی خود را به عیاشی و هرزگی بر باد داد. و چون همه را خرج کرد، قحطی شدیدی در آن سرزمین پدید آمد و او به سختی محتاج گشت. پس رفته، خود را به یکی از شهروندان آن ولایت بست و او وی را به مزارع خویش فرستاد تا گرازان را بچراند. و آرزو داشت شکم خود را از خرنوب‌هایی که گرازان می‌خوردند سیر کند، اما کسی چیزی به او نمی‌داد. چون به خود آمد، گفت: "چه بسیار مزدوران پدرم که نان فراوان و بیش از نیاز دارند و من اینجا از گرسنگی هلاک می‌شوم! برمی‌خیزم و نزد پدر خود می‌روم و به او خواهم گفت: ای پدر، به آسمان و در حضور تو گناه کرده‌ام، و دیگر شایسته نیستم که پسر تو خوانده شوم؛ مرا چون یکی از مزدوران خویش بپذیر." پس برخاست و به سوی پدر خود روانه شد. اما هنوز راهی دراز در پیش بود که پدرش او را دید و دلش بر وی بسوخت و دوان‌دوان خود را بر گردن او افکند و او را بوسید. پسر به او گفت: "ای پدر، به آسمان و در حضور تو گناه کرده‌ام و دیگر شایسته نیستم که پسر تو خوانده شوم." اما پدر به غلامان خود گفت: "جامهٔ برترین را بیاورید و بر او بیوشانید و انگشتی در دستش و کفش بر پاهایش بگذارید؛ و گوسالهٔ پرواری را بیاورید و ذبح کنید تا بخوریم و شادی کنیم؛ زیرا که این پسر من مرده بود، زنده گشت؛ و گم شده بود، پیدا شد." پس به شادی کردن آغاز نمودند.»

پدر دوید. در خاورِ نزدیکِ باستان، یک بزرگ‌خاندان هرگز نمی‌دوید؛ این کار دور از وقار بود. دویدن به معنای بالا زدنِ قبا تا بالای زانو، نمایان شدنِ ساق‌ها و دویدن همچون یک خادم بود. اما این پدر، پسرش را در حالی که هنوز بسیار دور بود دید؛ و این یعنی او هر روز چشم‌به‌راهِ وی بود. او به جاده چشم دوخته بود. او منتظرِ نماند تا پسرش از راه برسد و سخنانِ از پیش تمرین‌شده‌اش را بازگوید. او به استقبالِ وی دوید، او را در آغوش کشید و بوسید. پیش از آنکه

اعترافِ پسر به پایانِ برسد، کلامِ او را قطع کرد. سپس فرمان داد تا جامه، انگشتری، کفش، گوساله‌ی پرواری، و بساطِ موسیقی و پایکوبی را مهیا کنند.

این آیه Zeph 3:17 در قامت یک داستان است. پدری که می‌دود، همان خدایی است که شادی می‌کند. آن جامه، سیمای درخشان šûš است – یعنی تابشِ دامادی که به محبوبِ خویش نامی نو می‌بخشد. سکوتِ پدر آن‌گاه که گردنِ پسرش را در آغوش گرفت، همان «آرام گرفتن در محبتِ خویش» است – یعنی yāhārîš، رضایتِ خاموشِ عاشقی که به مرادِ دلِ خویش رسیده است. موسیقی و رقص، همان gîl bērinna است – یعنی چرخِ زدن، فریادِ طنین‌انداز، و ضیافتی که از پیشِ تدبیر نشده بود اما توقف‌ناپذیر بود. شادیِ آسمان یک نظریه نیست؛ بلکه پدری است که در جاده‌ای غبارآلود شتابان می‌دود.

۱.۶ برادر بزرگتر و پرسشی که باقی می‌ماند

برادر بزرگتر به درون نیامد. او صدای موسیقی و پایکوبی را شنید و از ورود امتناع ورزید. به پدر خود گفت: «این همه سال تو را خدمت کردم و هرگز از فرمانت سرپیچی نکردم، اما هرگز بزه‌ای به من ندادی تا با دوستانم شادی کنم. اما چون این پسر است که دارایی تو را با فواحش تلف کرده است آمد، گوساله پرواری را برای او سر بریدی.» پاسخ پدر، جانشوزترین و لطیف‌ترین کلام در این مَثَل است: «فرزندم، تو همیشه با منی و هر آنچه دارم از آن توست. بایسته بود که شادی کنیم و مسرور باشیم، زیرا این برادرت مرده بود و باز زنده گشت.» شادیِ پدر با رنجشِ برادر بزرگتر کاستی نمی‌یابد. اما برادر بزرگتر جشن را از دست می‌دهد. و عیسی مَثَل را ناتمام رها می‌کند. برادر بزرگتر بیرون ایستاده و خشمگین است. موسیقی همچنان نواخته می‌شود. آیا او به درون خواهد آمد؟ این سؤال است که عیسی از هر خواننده‌ای می‌پرسد.

فصل ۷

شادی از طریق صلیب

صلیب تاریک‌ترین نقطه در این داستان است. اما عبرانیان ۱۲:۲ حقیقتی شگفت‌آور را درباره آنچه عیسی را به گذشتن از آن واداشت، آشکار می‌سازد.

Hebrews 12:2 KJV · چشم بر عیسی بدوزیم که سرمنشأ و متمم ایمان ماست؛ او که به‌خاطر آن شادی که پیش روی او نهاده شده بود، صلیب را تحمل کرد و ننگ آن را خوار شمرد و بر جانب راست تخت خدا نشسته است.

متن یونانی چنین است: ^{G4295}προκειμένης prokeimenēs ^{G3588}τῆς tēs ^{G473}ἀντὶ anti ^{G5479}χαρᾶς charas ^{G846}αὐτοῦ autō «وژهی antí معنای «در ازای» یا «با نگاه به» را با خود دارد. آن شادی پس از صلیب نبود؛ بلکه پیش از صلیب و در برابر دیدگان او بود، پاداشی که او می‌توانست از همان خط آغاز ببیند. مقصود، صلیب نبود؛ مقصود، شادی بود. صلیب بهایی بود که او برای رسیدن به آن شادی پرداخت. آن شادی چه بود؟ آن شادی، عروس بود. کودکانی بودند که به سوی او می‌دویدند. خانه‌ی پدر بود، سرشار از موسیقی و پایکوبی. ضیافت عروسی بره بود. عیسی صلیب را تاب آورد، زیرا اشتیاق او به آن جشن، بیش از هراسش از درد بود Zephaniah 3:17. تنها سرود پدر نیست؛ بلکه سوختِ جانِ پسر است.

۱.۷ شادی من در شما John 15:11 – و 17:13

John 15:11 KJV · این سخنان را به شما گفتم تا شادی من در شما باقی بماند و شادی شما کامل گردد.

عیسی آن را «شادی من» می‌نامد. نه یک خوشحالی معمولی، بلکه آن شادی متمایزی که او در مقام پسر خدا از آن خود داشت — شادی موردِ محبتِ پدر بودن، پیش از بنیادِ عالم (John 17:24). او می‌فرماید که آن شادی اکنون مقدر است که در ما بماند و به کمال برسد. در John 17:13 او چنین دعا می‌کند: «این سخنان را در جهان می‌گویم تا شادی مرا به کمال در خود داشته باشند.» واژه ^{G4137}πεπληρωμένην plēroō است — یعنی لبریز شده، تکمیل گشته و به پیمانه کامل رسیده. عیسی تنها بخشی از شادی خود را به ما نمی‌بخشد تا بگوید سپاسگزار باشیم. او می‌گوید که می‌خواهد شادی‌اش به‌طور کامل در ما باشد. همان شادی‌ای که در روح به وجد آمد، آنگاه که کودکان ملکوت را درک کردند (Luke 10:21)، اکنون همان شادی‌ای است که در وجود هر ایمان‌داری ساکن است Zephaniah 3:17. تنها درباره سرود خواندنِ خدا بر ما نیست؛ بلکه درباره این است که خدا آن سرود را در درون ما قرار می‌دهد.

۲.۷ ضیافت عروسی بره – صحنه‌ی نهایی تاریخ

Revelation, 19:6-9 KJV و شنیدم صدایی را که گویی غریو گروهی عظیم بود، و چون خروش آب‌های بسیار و طنین رعدهای پر قدرت که می‌گفتند: «هللویا! زیرا خداوند خدای قادر مطلق سلطنت می‌کند. بیاپید شادی کنیم و به وجد آییم و او را تمجید نماییم، زیرا زمان عروسی بره فرا رسیده و عروس او خویشتن را آماده ساخته است.» و به او عطا شد تا کتان لطیف، پاک و درخشان در بر کند، زیرا آن کتان لطیف، پارسایی مقدسان است. و او به من گفت: «بنویس: خوشا به حال آنان که به ضیافت شام عروسی بره دعوت شده‌اند.»

واژه‌ی یونانی $\chi\rho\omega\mu\epsilon\nu$ chairō^{G5463} است – «بیاپید شادمان باشیم و شادی کنیم.» با همان ریشه‌ی chara. و سرود، هللویا است – واژه‌ی عبری הללויה hālāl^{H1984} – «پاه را ستایش کنید.» کتاب مکاشفه، که بیش از هر کتاب دیگری دربردارنده‌ی داوری است، نه با صحنه‌ی دادگاه، بلکه با بزم عروسی به پایان می‌رسد. داماد از راه رسیده است. عروس او آماده است. موسیقی آغاز می‌شود. شراب جاری می‌گردد. آن شادی که خدا در Zeph 3:17 نسبت به قوم خویش داشت، اکنون همان شادی است که آفرینش تازه را لبریز می‌سازد. هر روایتی از شادی الهی در کتاب مقدس، تمرینی برای این لحظه بود. شادمانی آفرینش. پدری که در جاده می‌دود. عیسی که در روح به وجد می‌آید. سیمای تابان داماد. محبت آرام و بی‌صدای خدایی که آرام می‌گیرد. سرود چرخ‌زنان و طنین انداز خدایی که پایکوبی می‌کند. همه‌ی این‌ها به اینجا ختم می‌شد: ضیافت شام عروسی بره. تاریخ با یک جشن به پایان می‌رسد. و همگان دعوت شده‌اند.

How this was made

This is the author's own work. It was composed with [junifye](#) and an AI assistant, drawing its Scripture and original-language work (Greek, Hebrew, cross-references) from [Darash](#) (Hebrew darash, "to seek, inquire, study"), a tool and reference work for the Bible in its original languages.

A gift of support — [Stripe](#)



Scan to read this book online